



شماره هفدهم

پاییز ۱۳۹۰

صفحات ۶۳-۳۳

تحلیل گفتمان انتقادیِ رمانِ دکتر نون زنش را بیشتر از مصدق دوست داشت^(۱)

دکتر سیدعلی قاسم‌زاده *

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان

دکتر مصطفی گرجی

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام‌نور

چکیده

رمانِ دکتر نون زنش را بیشتر از مصدق دوست داشت، نوشتهٔ شهرام رحیمیان، از رمان‌های سیاسی قابل تأمل است که به بازنگری متفاوتی از کودتای ۲۸ مرداد، با تأکید بر مسائل روانی شخصیت‌های سیاسی می‌پردازد. واکاوی علمی رویکرد نویسنده در بازنمایی واقعه، فوایدی چندوجهی دارد: نخست، بازگوکنندهٔ رویکرد بخشی از جریان‌های فکری جامعه دربارهٔ آن حادثه است؛ دوم، ما را با قسمتی از تحولات فکری طبقهٔ روشنفکر جامعه، به‌ویژه پس از تأمل نوشتارِ آن‌ها در حوادث سرنوشت‌ساز تاریخ سیاسی معاصر آشنا می‌کند؛ و سرانجام واکاوی مؤلفه‌های تشکیل‌دهندهٔ رمان با روش توصیفی-تحلیلی و با رهیافت «تحلیل گفتمان انتقادی»، نه‌تنها رویکرد کاملاً هدفمند نویسنده را - به‌عنوان یکی از نویسندگان وابسته به طیف روشنفکران خارج از کشور- در انتقاد از جریان‌های سیاسی معاصر نشان می‌دهد، ایدئولوژی سیاسی نویسنده را نیز آشکار می‌سازد و آشکار می‌شود نگرش نویسنده در طرح گفتمان روشنفکری، معطوف به رویکردی ملی‌گرایانه منهای نقش دین است.

واژگان کلیدی: رمان سیاسی، تحلیل گفتمان انتقادی، دکتر نون، شهرام رحیمیان

*s.ali.ghasem@gmail.com

نشانی پست الکترونیکی نویسندهٔ مسؤول:

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۱۰/۲۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۴/۱۲

۱- مقدمه

با آنکه حضور سیاست در قالب ادبیات، در ادبیات کلاسیک سابقه داشته‌است، تعامل این دو را در دوره معاصر باید از لونی دیگر دانست. اگر در آثار ادبی گذشته، پاره‌ای از ویژگی‌های حاکمان، و مسائل کلان سیاسی و حکومتی آنها، در قالب نثر متجلی می‌شد، در ادبیات معاصر یک نوع ادبی (رمان) متولد شد که با مسائل مبتلابه انسان عصر جدید، تلازم فراوان دارد.

یکی از جریان‌های برجسته رمان معاصر فارسی که خودآگاه یا ناخودآگاه با کم‌توجهی منتقدان روبه‌رو شده‌است، پرداختن به سیاست از وجه هنری است. این جریان که باید آن را موجب شکل‌گیری ژانر «رمان سیاسی»^۱ دانست،^(۲) به دلیل تنوع و تعدد مخاطبان رمان‌خوان، تأثیری انکارناپذیر در جهت‌دهی فکری به بخشی عظیم از طیف‌های اجتماعی دارد. شاید یکی از دلایل بی‌توجهی منتقدان معاصر در نام‌گذاری ژانری با عنوان رمان سیاسی، توجه و تمرکز بر وجوه اجتماعی و تاریخی رمان‌های اولیه فارسی باشد، درحالی‌که اگر با نگاهی فراگیر به جریان داستان‌نویسی معاصر توجه کنیم، آشکارا نشانه نگرش‌های سیاسی غالب نویسندگان فارسی را می‌توان مشاهده نمود؛ نویسندگانی که در تلاش برای اعتراض به اوضاع سیاسی، نه‌تنها به برجسته‌سازی معضلات و ناهنجاری‌های اجتماعی چون فساد، تبعیض، فقر و فحشا و امثال آن پرداخته‌اند، در ژرف‌ساخت داستان‌های خود، با اغراضی سیاسی-انتقادی، به واکاوی روابط سیاست و قدرت و تأثیر آن در نهادهای فرهنگی و اجتماعی نظر داشته‌اند. اساساً آغاز داستان‌نویسی جدید ایرانی را نیز باید رهاورد نگرش سیاسی پیشگامان ادبیات داستانی جدید فارسی دانست؛ چنان‌که جمالزاده، پدر داستان‌نویسی مدرن فارسی، در مجموعه‌ی یکی بود، یکی نبود، به‌ویژه در داستان «رجل سیاسی»، به مباحث سیاسی توجهی ویژه کرده و در آثار بعدی خود- هرچند کم‌رنگ‌تر- به طرح مسائل سیاسی پرداخته‌است.

امروزه منتقدان درباره وجود یک نوع ادبی^۲ با نام «رمان سیاسی» اختلاف نظر دارند. عده‌ای برآن‌اند که در عرصه ادبیات خلاق، مفهوم ادبیات سیاسی معنا ندارد، اما برخی

1. Political novel
2. literary genre

دیگر، به‌ویژه ناقدانی که به نقد ایدئولوژیک نظر دارند، هر متنی را بازتاب ایدئولوژی‌های برتر جامعه، از جمله گفتمان غالب،^۱ یا برآمده از آن می‌دانند؛ چنان‌که ژاک لنار، منتقد فرانسوی، متأثر از دیدگاه لوسین گلدمن بر آن است که ساختارهای معنایی رمان با وضعیت سیاسی - اجتماعی زمانه پیوند دارد (لنار، ۱۳۹۰: ۷۷). بسیاری از صاحب‌نظران نیز اذعان داشته‌اند که داستان به علت ویژگی‌های خاص، از جمله غلبه ساختار روایی، به نسبت سایر فرم‌های ادبی، نقشی برجسته در بیان تئوری‌های سیاسی ایفا کرده‌است (هورتن و بامیست، ۲۰۰۳: ۳۳).

مطابق نظر اغلب متفکران حوزه جامعه‌شناسی ادبیات نیز، ارتباط و پیوند ادبیات با سیاست به‌گونه‌ای است که به دشواری می‌توان میان متون ادبی، سیاسی و فلسفی مرزی قائل شد. در ادبیات غرب آثار میلتون، شلی، روسو، تولستوی و سارتر نمونه کامل این دسته از متون است (همان: ۵). همچنین عده‌ای چون جان هورتن، نقش و کارکرد ژانرهای روایی‌ای چون داستان را در بیان اندیشه‌های سیاسی غیرقابل انکار می‌دانند: «به نظر می‌رسد نوول و نمایشنامه، بهتر می‌توانند پیچیدگی‌های اعمال و رفتارهای سیاسی و لاجرم پیچیدگی‌های شخصیت‌های سیاسی را نشان دهند» (همان: ۱۶). از این‌رو می‌توان از گونه‌ای با نام «رمان سیاسی» یاد کرد که نوعی بازپردازی و بازآفرینی جریان یا اندیشه سیاسی در قالب داستان است. به عبارت دیگر، رمان سیاسی، به‌عنوان نوعی مستقل در ادبیات، بخشی از قصه و داستان است که با امور سیاسی سروکار دارد و معمولاً گزارش یا تفسیری روایی از حوادث و نظریه‌های سیاسی است و علت اصلی پیدایش آن، ترویج و تبلیغ یک اندیشه یا گفتمان سیاسی^۲ است که نویسنده می‌کوشد به این وسیله خود را در گفتمان قدرت سهیم کند یا در مخالفت با جریان حاکم نشان دهد:

اینان از اهمیت بازی‌های زبانی در شکل‌دهی به جهان پیرامون آگاه بودند، از اهمیت شیوه‌ای که ساختارهای قدرت از آن طریق ظرفیت جهان‌آفرینی واژه‌ها را به خدمت می‌گیرند، شیوه‌ای که واقعیت و عقل سلیم از رهگذر آن به جامعه ایدئولوژی‌ها ملبس می‌شوند (مک‌کافری، ۱۳۸۷: ۲۳).

-
1. dominant discourse
 2. Horton and Baumeiste
 3. political discourse

جنبه‌هایی معین از زندگی سیاسی، متشکل از مفاهیمی چون قدرت، اقتدار،^۱ سلطه،^۲ و... هستند که اتفاقی شکل نمی‌گیرند، بلکه ریشه در بافتار اجتماعی و سیاسی تولید خود دارند و با دو مؤلفه ایدئولوژی و نقد ایدئولوژی حاکم در ارتباطاند (آبنیکی، ۱۳۸۵: ۵۲).

رمان دکتر نون زنش را بیشتر از مصدق دوست داشت (۱۳۸۰)^(۳) نوشته شهرام رحیمیان (متولد ۱۳۳۸)، از رمان‌های سیاسی معاصر^(۴) است که به واکاوی حس نوستالژیک طیف روشنفکری معاصر، به‌ویژه روشنفکران مهاجر پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، توجه دارد.^(۵) مقاله حاضر به بررسی این رمان از منظر تحلیل گفتمان انتقادی می‌پردازد.

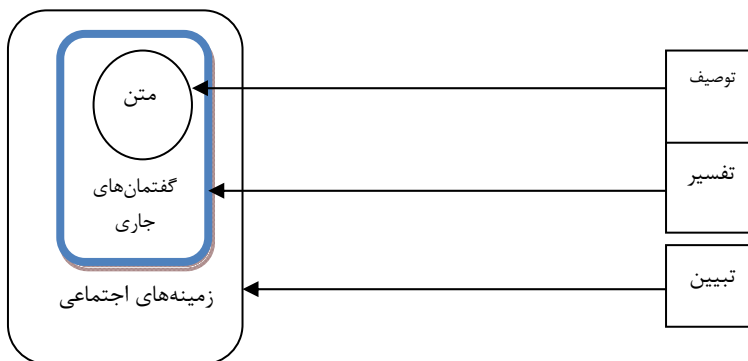
۲- تحلیل گفتمان انتقادی و رویکرد فرکلاف

رمان به دلیل حقیقت‌مانندی و توجه به دگرگونی‌ها و ترسیم حقایق، نگرش نویسنده را در بردارد. رمان جدی‌ترین قالب‌ها از جهت درآمیختگی با ابعاد اجتماعی و فرهنگی به شمار می‌رود و اهمیت آن، آنگاه بیشتر آشکار می‌شود که جوامع دچار دگرگونی‌های اجتماعی و سیاسی شوند. در یک نگاه شاید بتوان گفت حقیقت‌مانندی بیش از هر عنصر ادبی در حوزه رمان مصداق دارد و بدون در نظر گرفتن موقعیتی که رمان در تعامل با آن شکل گرفته‌است، نمی‌توان تحلیلی جامع از آن ارائه کرد. به همین دلیل چهارچوب نظری این پژوهش بر تحلیل گفتمان انتقادی^۳ استوار است^(۶) و از این منظر در حوزه نقد محتوایی^۴ قرار دارد؛ رهیافتی که بی‌گمان یکی از مؤثرترین شگردهای تحلیل و نقد داستان‌هایی از این دست به شمار می‌آید. این شگرد تحلیلی، یکی از سه نظریه گفتمانی است که در کنار «تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه» و «روان‌شناسی گفتمانی»^۵ در نظریه‌های گفتمانی قرار دارد (علیخانی، ۱۳۸۶: ۵۵۲ و یورگنس و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۲۸-۲۵). این روش، باید ساختارهای اجتماعی و ادراکی، یعنی آنچه معمولاً فرامتن^۶ نامیده

1. authority
2. dominance
3. critical discourse analysis
4. contentual criticism
5. discourse-psychology
6. metatext

می‌شود، در نظر گرفته شود و هم‌زمان متن و ساختارهای خرد (لایه سطحی) و کلان (لایه عمقی) بررسی شود (سلطانی، ۱۳۸۷: ۳۵). با توجه به تحدید و تعریف گفتمان، تحلیل گفتمان انتقادی که از چهار مفهوم بنیادین قدرت، جهان‌بینی، زبان و ایدئولوژی بحث می‌کند، عبارت از انتقال مفهوم ساختار از سطح جمله و روابط دستوری چون فعل، فاعل و مفعول به سطح متن بزرگ‌تر است و تمام توجه آن، علاوه بر توضیح واحدهای ساختاری درون یک متن، به زبان کاربردی آن نیز هست (میلز، ۱۳۸۸: ۱۷۱).

نورمن فرکلاف در رویکرد گفتمان انتقادی خویش - که مبنای تحلیل ماست - از نظریه تعدادی از نظریه‌پردازان انتقادی - اجتماعی، چون مفهوم نظم گفتمان^۱ فوکو و هژمونی^۲ گرامشی استفاده کرده‌است که در تبیین و کشف دیدگاه‌های ایدئولوژیک نویسندگان و نظرگاه‌های سیاسی آنان بسیار کارآمد است. از نظر او تحلیل گفتمان به سه سطح تقسیم می‌شود: سطح اول، توصیف: گفتمان به‌مثابه متن (شامل تحلیل زبانی در قالب واژگان، دستور، نظام آوایی و انسجام در سطح بالاتر از جمله)؛ سطح دوم، تفسیر: گفتمان به‌مثابه تعامل بین فرایند تولید و تفسیر متن (بحث از تولید و مصرف متون)؛ و سطح سوم، تبیین: گفتمان به‌مثابه زمینه‌ای که این سه مرحله (متن، تعامل بین مرحله تولید و تفسیر و زمینه اجتماعی) در آن بررسی و تحلیل می‌شوند (نک. آفاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۲۹). نمودار زیر سطوح تحلیل گفتمان در رویکرد نورمن فرکلاف را نشان می‌دهد:



1. order of discourse
2. hegemony

۲-۱- سطح توصیف

در این مرحله، متن جدای از سایر متن‌ها و زمینه و اوضاع اجتماعی بررسی می‌شود. مجموعه ویژگی‌های صوری‌ای که در یک متن یافت می‌شوند، می‌توانند به‌عنوان انتخاب‌هایی خاص از میان گزینه‌های مربوط به واژگان و دستور موجود تلقی شوند که متن از آنها استفاده می‌کند. این تحلیل، تحلیل انتزاعی متن است. در این مرحله باید پرسش‌هایی را در نظر داشت: کلمات واجد کدام ارزش تجربی هستند؟ چه نوع روابط معنایی (هم‌معنایی، شمول معنایی، تضاد معنایی) به لحاظ ایدئولوژیک بین کلمات وجود دارد؟ ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های تجربی هستند؟ چه نوع فرایندها و مشارکینی مسلط هستند؟ آیا کنشگر نامشخص است؟ آیا فرایندها همان‌هایی‌اند که به نظر می‌رسند؟ آیا از فرایند اسم‌سازی استفاده شده‌است؟ جملات معلوم‌اند یا مجهول؟ مثبت‌اند یا منفی؟ ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های رابطه‌ای هستند؟ از کدام وجه‌ها (خبری، پرسشی، دستوری) استفاده شده‌است؟ آیا بین ویژگی‌های مهم وجه‌ساز رابطه‌ای وجود دارد؟ آیا از ضمائر ما و شما استفاده شده‌است؟ اگر پاسخ مثبت است، نحوه استفاده از آنها چگونه بوده‌است؟ جملات ساده چگونه به یکدیگر متصل شده‌اند؟ از کدام کلمات ربطی منطقی استفاده شده‌است؟ آیا جملات مرکب از مشخصه‌های همپایگی یا وابستگی برخوردارند؟ برای ارجاع به داخل و بیرون متن از چه ابزارهایی استفاده شده‌است؟ (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۱-۱۶۷).

۲-۲- سطح تفسیر

متون براساس پیش‌فرض‌هایی که به ویژگی‌های متنی ارزش می‌دهد، تولید و تفسیر می‌شوند. تفسیرها، ترکیبی از محتویات متن و ذهنیتِ (دانش زمینه) مفسر است که در تفسیر متن به کار می‌بندد (همان: ۲۱۵). درواقع مرحله تفسیر روشن می‌سازد که فاعلان در گفتمان مستقل نیستند. از نظر فرکلاف قلمروهای تفسیر زمینه متن مانند زمینه‌های بینامتنی بر آگاهی‌های پیشین، مانند نظم‌های اجتماعی و کنش متقابل تاریخی، منطبق است. در این سطح نیز باید به پرسش‌هایی چند نظر داشت: ۱- بافت یا زمینه: تفسیرهای مشارکین گفتمان از بافت موقعیت و بینامتنی چیست؟ ۲- انواع گفتمان: چه نوعی از گفتمان مورد استفاده خواهد بود؟

مرحله تفسیر به خودی خود بیانگر روابط قدرت و سلطه و ایدئولوژی‌های نهفته در پیش‌فرض‌های یادشده نیست تا کنش‌های گفتمانی معمول را به صحنه مبارزه اجتماعی تبدیل کند. در تحقق این هدف مرحله تبیین ضرورت دارد (همان: ۲۴۴-۲۱۵).

۲-۳- سطح تبیین

در این مرحله محقق به تحلیل متن به‌عنوان جزئی از روند مبارزه اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت می‌پردازد. می‌توان از مرحله تفسیر به مرحله تبیین با توجه به این نکته گذر نمود که با بهره‌گرفتن از جنبه‌های گوناگون دانش زمینه‌ای به‌عنوان شیوه‌های تفسیری در تولید و تفسیر متون، دانش یادشده بازتولید خواهد شد. این بازتولید برای مشارکین گفتمان، پیامدی جانبی، ناخواسته و ناخودآگاه است. این امر در واقع در تولید و تفسیر صدق می‌کند. بازتولید، مراحل گوناگون تفسیر و تبیین را به هم پیوند می‌زند، زیرا درحالی‌که تفسیر چگونگی بهره‌جستن از دانش زمینه‌ای را در پردازش گفتمان مورد توجه قرار می‌دهد، تبیین به شالوده اجتماعی و تغییرات دانش زمینه‌ای و بازتولید آن در جریان کنش گفتمانی می‌پردازد (همان: ۲۴۵). درباره تبیین باید سه پرسش زیر را در نظر گرفت:

۱- عوامل اجتماعی: چه نوع از روابط قدرت در سطوح گوناگون نهادی، اجتماعی و موقعیتی در شکل دادن یک گفتمان خاص مؤثر است؟

۲- ایدئولوژی: چه عناصری از دانش زمینه‌ای مورد استفاده، خصوصیات ایدئولوژیک دارند؟

۳- تأثیرات: جایگاه این گفتمان نسبت به مبارزات در سطوح گوناگون نهادی، اجتماعی و موقعیتی چیست؟ آیا این مبارزات علنی است یا مخفی؟ آیا گفتمان یادشده نسبت به دانش زمینه‌ای هنجاری است یا اخلاقی؟ آیا در خدمت روابط قدرت موجود است یا در جهت دگرگون ساختن آن عمل می‌کند؟ (همان: ۲۵۰-۲۴۵).

۳- خلاصه رمان دکتر نون با تکیه بر درون‌مایه

رمان «دکتر نون...» حول خاطرات و اوضاع روحی و روانی شخصیت اول داستان، دکتر محسن نون، می‌گذرد که ماهیتی تخیلی و نمادین دارد. آنچه ذهن و ضمیر دکتر نون را

تسخیر کرده، از یک‌سو، خاطرات دوستی و پایبندی به عهد و میثاق با دکتر مصدق و از سوی دیگر، عشق و علاقه‌ای است که به همسرش ملک‌تاج دارد.

دکتر نون از تبار قاجاریه، تحصیل‌کردهٔ فرانسه و حقوقدانی است که با نوشتن مقاله‌ها و فعالیت‌های سیاسی، یکی از زمینه‌سازان به قدرت رسیدن دکتر مصدق شده و علاوه بر دوستی و نسبت فامیلی با دکتر مصدق، معاون و مشاور او نیز هست. در جریان مخالفت‌هایی که با دکتر مصدق می‌شود، دکتر نون همراه با دکتر فاطمی (وزیر امور خارجه) همچنان به او وفادار می‌مانند و هر دو به او دست دوستی و وفاداری می‌دهند. پس از کودتای ۲۸ مرداد، او را نیز مانند دیگر همراهان دکتر مصدق دستگیر می‌کنند و تحت شکنجه‌های جسمی و روحی قرار می‌دهند. او با وجود تحمل همهٔ شکنجه‌ها، ناگهان در معرض آزمون بزرگی قرار می‌گیرد. مأموران که علاقهٔ شدید او را به ملک‌تاج بانو فهمیده‌اند، با صحنه‌سازی تجاوز به ملک‌تاج، دکتر نون را وادار می‌کنند تا به مصاحبهٔ رادیویی ضد دولت مصدق و اظهار انزجار از مصدق روی آورد.

پس از آزادی، ننگِ تهمت و خیانت گریبان دکتر نون را می‌گیرد. از این پس او از فشار روانی رها نمی‌شود، دائماً در خاطرات و حدیث نفس‌هایش حضور سرزنش‌بار دکتر مصدق را احساس می‌کند و با احساس سرشکستگی و عذاب وجدان، گوشه‌گیر و منزوی می‌شود و چاره‌ای جز پناه بردن به الکل نمی‌یابد. دلسوزی‌های همسر، مادر و دوستان و حتی نامه‌ای که دکتر مصدق برای او می‌نویسد، در تخفیف عذاب وجدان او تأثیر نمی‌گذارد و او روزبه‌روز سلامت روحی خود را از دست می‌دهد. احساس گناه، باعث توهم حضور دکتر مصدق در تنهایی‌ها و افکار و عواطف دکتر نون می‌گردد، به‌گونه‌ای که حتی در اتاق خواب و هنگام عشق‌بازی با ملک‌تاج، شبح مصدق او را آرام نمی‌گذارد.

استقرار این احوال، برای دکتر نون جز شکنجه‌های روحی - روانی خود و ملک‌تاج - که دکتر نون او را مسبب همهٔ این مصائب می‌داند - حاصلی به همراه ندارد. عکس‌هایش را پاره می‌کند، ارتباطش را با همه قطع می‌کند، باغچه‌اش را نابود می‌کند، به مشروب روی می‌آورد و در تمام این مدت توقع دارد که ملک‌تاج چون بقیه ترکش کند؛ اما علاقهٔ ملک‌تاج به دکتر نون تا حدی است که ترجیح می‌دهد کنار وی عذاب بکشد.

روزی ملک‌تاج برای خرید از خانه خارج می‌شود و در تصادف با موتورسیکلت کشته می‌شود. دکتر نون که نمی‌تواند مرگ وی را باور کند، دو نفر را اجیر می‌کند تا جنازه زنش را از بیمارستان بدزدند و به خانه بیاورند. دو روز بعد، مأموران به سراغش می‌آیند و جنازه ملک‌تاج را از دکتر نون - که قصد معاشقه با آن را داشت- می‌گیرند و او را نیز دستگیر می‌کنند.

۴- موقعیت تاریخی و بافت‌های اجتماعی رمان

رمان دکتر نون مبتنی بر یکی از مهم‌ترین وقایع تاریخی معاصر در دهه سی، یعنی کودتای ۲۸ مرداد است که با نیم‌نگاهی به مشروطه و نحوه حکومت استبدادی پهلوی نوشته شده‌است. انتقاد از دخالت بیگانگان و همراهی عناصر داخلی با آنها، زمینه طرح گفتمان اقتدارطلب^۱ و خیانت روشنفکران به حرکت مردمی دولت مصدق است. از این رو، هسته مرکزی رخدادهای داستان به دهه‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ شمسی، یعنی کودتای ۲۸ مرداد و سقوط دولت مصدق مربوط است، اما غالب رخدادهای رمان به زمان پس از کودتا و پیامدهای اجتماعی و روحی آن برمی‌گردد. تاریخ روایت به سال ۱۳۵۵، بیست‌وسه سال پس از کودتا، برمی‌گردد (نک. رحیمیان، ۱۳۸۳: ۱۴). فضای جغرافیایی رمان، کانون تصمیم‌گیری‌های تحولات اجتماعی و سیاسی ایران، یعنی پایتخت (تهران) است و قرار گرفتن وقایع داستانی در محیط‌هایی بسته چون خانه، زندان، رادیو و تلویزیون و بیمارستان، تصویری از فضای بسته جامعه دیکتاتوری را به نمایش می‌گذارد. نویسنده در همان ابتدای داستان، ماجرای وقوع رمانش را فهرست‌وار و براعت استهلال‌گونه، برای خواننده شرح می‌دهد و سپس شروع به بافتن کلاف‌های داستانش می‌کند. درواقع می‌توان رمان را به دو بخش کلی تقسیم کرد: بخش نخست که راوی ماجرا را به‌تمامی و به ایجاز تشریح می‌کند و دوم، سلسله رخدادهایی که در پی یادآوری ذهن راوی از پس سطرهای آغازین قصه روایت می‌شود.

شاید درآمیختن عشق دکتر نون و ملک‌تاج از نظر برخی برای جذابیت بیشتر و جذب مخاطبان جوان یا به هدف فروش بیشتر کتاب باشد و برخی گمان کنند که

1. authoritarian discourse

در آمیختن آن در داستان، نمادی از پیوند عشق و سیاست در ادبیات است، اما رویهٔ دیگر این پیوند تمثیلی و سمبلیک، انتقادات سیاسی و فرهنگی است. رمان با رویکردی روان‌شناختی تلاش می‌کند با نمایش حالات و عواطف پیچیدهٔ ذهنی و ویژگی‌های درونی شخصیت‌های داستان، به اوضاع روحی و اجتماعی مردم ایران پیش و پس از کودتای ۲۸ مرداد بپردازد. جامعه در رمان دکتر نون به دو عرصهٔ قبل و پس از کودتا تقسیم می‌شود و شخصیت‌ها در میان این دو پهنه در حرکت‌اند:

۱- دورهٔ قبل از کودتا: شور و نشاطِ وصف‌ناشدنی همهٔ عرصه‌های جامعه را در بر گرفته‌است و حضور دکتر نون در نقش حامی و هم‌فکر دکتر مصدق، خونی تازه در رگ‌های جامعهٔ انحصارطلب یا توتالیتر^۱ و فردگرا^۲ جاری کرده‌است. مردم برای اولین‌بار پس از مشروطه، احساس احیا و تجدید قوا می‌کنند.

۲- دورهٔ پس از کودتا: سرگستگی و ناامیدی، تمایل نوستالژیک طیف‌هایی است که عظمت خود را با دخالت بیگانه بر بادرفته دیده‌اند. تردید و بی‌اعتمادی در غالب قشرها ریشه دوانده و حتی بر روابط خانوادگی سایه افکنده‌است. جامعهٔ روشنفکری ایران پس از کودتا، جامعه‌ای دلزده و منجمد است که مرگ‌باوری بر ذهن و ضمیر افراد آن سایه افکنده و امید به زندگی به کمترین حد خود رسیده‌است.

رمان دکتر نون، فریاد اعتراف و اعتراض به روحیهٔ ملتی است که در برابر شکست، سرخورده و مأیوس شده‌است. سرگستگی روشنفکرانی چون دکتر نون، بدبینی اجتماعی نسبت به قشر روشنفکران و تعلیق هویت شخصیت‌ها، گویای جامعهٔ بحران‌زدهٔ ایرانی است. همان‌گونه که به باور بسیاری، واقعیت اجتماعی خالص و ناب وجود ندارد و نباید تصور کرد گفتمان موجود در متن، خنثی و بی‌طرفانه است (بهرام‌پور، ۱۳۷۹: ۵۰). متن ادبی، به‌ویژه رمان، به دلیل پیوند عمیق آن با اجتماع، هیچ‌گاه بدون بار عاطفی خاص و ایدئولوژیک نویسنده نیست و رمان دکتر نون نیز کوششی است برای بازتاب جهان‌بینی نویسنده در باب مسائل و موقعیت‌های اجتماعی و سیاسی معاصر.

1. totalitarian
2. individualist

۵- زاویه دید و شخصیت پردازی رمان (تعامل شخصیت‌ها با سیاست و جامعه)

رمان دکتر نون با اشارات صریح به وقایع سیاسی و اجتماعی پیش و پس از کودتا و نفوذ و دخالت بیگانگان، به کمک شخصیت‌پردازی موجود در رمان، جامعه ایرانی را به سه قطب تقسیم کرده است: نخست، روشنفکران طرفدار مردم‌سالاری (دکتر مصدق، دکتر فاطمی و حامیان آنها)؛ دوم، طیف حکومتی و اقتدارطلب با روحیهٔ اگوئیسم^۱ یا خودمحور^۲ استبدادی و حامی بیگانه و استعمار (مثل ارتشبد زاهدی و مأموران حکومتی)؛ و سوم، طیف روشنفکران محافظه‌کار (مثل دکتر امینی و دکتر نون) که در رهگذر جنگ قدرت، مرعوب گفتمان مستبد کودتاچیان گشته‌اند و به دلایل شخصی پیمان‌شکنی کرده‌اند. گفتگوی دکتر امینی با دکتر نون، پس از مصاحبهٔ وی بر ضد مصدق، نمودار این طیف سوم است (۷۴-۷۵).^(۷)

آنچه بر رفتار اجتماعی و سیاسی شخصیت‌هایی مانند دکتر نون در رمان تأثیر عمیق دارد، تناقض اجتماعی و دوگانگی میان روشنفکران و مردم است. از یک‌سو، امید به دگرگونی در همهٔ عرصه‌ها، به‌ویژه بنیان سیاسی جامعه، همه‌جا سایه افکنده و از دیگرسو، زمزمهٔ تردید در توفیق دکتر مصدق در جامعه طنین‌انداز شده است. این تردید پس از کودتا نیز پابرجاست. دودستگی موجود در جامعه، ناشی از پایداری چنین فضایی است:

گفت: همهٔ ما رو طرد کردن. هیچ‌کس نمی‌خواد اون مصاحبه رو فراموش کنه. بین فامیل شکاف افتاده. نصفشون طرف مصدق گرفته، نصفشون طرف علی رو. ولی ما چوب دوسر طلا شدیم. نه این‌وری‌ها قبولمان دارن، نه اون‌وری‌ها (۶۳).

این فضا گویای تناقض موجود در رمان‌های مدرن و پسامدرن است که منجر می‌شود شخصیت‌ها گاه موجوداتی دوجنسی^۳ به نظر آیند (نک. لاج، ۱۳۸۶: ۱۶۳). بی‌گمان شخصیت‌پردازی پسامدرنیستی رمان منجر شده است که «خط سیر روایی [آن] از همگونی مفروض هویت آغاز شود و به سوی ناهمگونی همواره متکثر، پیش برود و به این وسیله، هویت همواره به تعویق افتد و جایش را به سناریویی دهد که در آن شخصیت دائماً با خود متفاوت شده، دارایی خود را نفی کرده، ورود به عرصهٔ دیگربودگی^۴ را

1. egoism
2. egocentric
3. androgenous
4. otherness

برگزیند» (داهرتی، ۱۳۸۷: ۳۰۹-۳۰۸). به همین دلیل در روایت پسامدرن، نام بردن از اسمی خاص یا حتی تغییر نام، ورود به عرصه‌ای دیگر از روایت تلقی می‌گردد که با روایت آغازشده در تباین است. سرگشتگی دکتر نون و نفی خود، و دیگری را به جای خود پنداشتن، از مظاهر همین تکثر هویتی و ورود به عرصه دیگربودگی است:

اجازه بدین خاطره‌های تلخمو همین‌جا بذارم و از این مملکت فرار کنم. اجازه بدین فراموش

کنم کی هستم و چی کار کردم. (۷۰)

ملک‌تاج گفت: چرا نمی‌خوای بفهمی که دوستت دارم؟

گفتم: تو چرا نمی‌خوای بفهمی که اون آدمی که قبل از کودتا دوستش داشتی، با این آدم بعد از کودتا فرق داره.

آقای مصدق پرسید: چه فرقی داره؟

دکتر نون گفت: راستش، اون که رفت تو رادیو مصاحبه کرد، دکتر فاطمی بود، نه دکتر نون.

آقای مصدق خندید و گفت: راستی؟

دکتر نون خیلی جدی گفت: بله.

دکتر مصدق به طعنه پرسید: پس چرا اونو کشتن و گذاشتن تو زنده بمونی؟

دکتر نون گفت: در حقیقت، دکتر نونو به خاطر مقاومتی که کرد کشتن و دکتر فاطمی‌رو، که

من باشم، جراحی پلاستیک کردن که شکل دکتر نون بشم (۱۰۳-۱۰۲).

شخصیت درونی دکتر نون نیز در بین دو علاقه شدید به‌ظاهر متضاد گرفتار است؛ از طرفی به همسرش ملک‌تاج بسیار علاقه‌مند است و از سوی دیگر، به دکتر مصدق (۹۰). قرار گرفتن مصدق در میانه این دو تمایل، از یک منظر، استعاره‌ای از برزخ انتخاب است. دکتر نون زنش را دوست دارد، مصدق را هم دوست دارد، اما نمی‌تواند زن و سیاست را با هم داشته باشد، زیرا ساختار مردسالارانه جامعه سنتی شکسته نشده‌است و مرد در کانون این تقابل، همواره طرف مثبت و برتر شناخته می‌شود و زن باید مطابق بینش مرد عمل کند و دوست داشته شود. شاید بتوان از منظری دیگر، زن (ملک‌تاج) را نمادی از وطن و سرزمین دانست و از این‌رو، گذشتن از مصدق و انتخاب زن، می‌تواند حرکتی سمبلیک برای جلوگیری از ویرانی و فروپاشی وطن در برابر قدرت‌طلبی و تجزیه‌طلبی سیاستمداران باشد.

داستان با زاویه‌دیدهای گوناگون (دانای کل، راوی- قهرمان، تک‌گویی درونی و حدیث نفس) که بی‌هیچ حد و مرزی با یکدیگر می‌آمیزند، روایت می‌شود. البته این

تغییر زاویه دیدها، بسیار ظریف و هنرمندانه انجام می‌شود، به طوری که خواننده ابتدا متوجه تغییر ضمائر و شناسه‌ها نمی‌شود. دکتر نون گاه خود را از درون می‌بیند و گاه چون بیگانه‌ای از بیرون، ناظر خویشتن است. رفت‌وآمد میان این دو نظرگاه، چنان به سرعت و تنگاتنگ صورت می‌گیرد که گاه در یک جمله شاهد دو نظرگاه هستیم: «ملک تاج شانه‌های دکتر نون را مالید. موهایم را نوازش کرد و گردنم را بوسید» (۵۳). به‌کارگیری چنین شگردی و یا بریده شدن زمان و روایتی که به سبب تداعی خاطرات با فلاش‌بک‌های گوناگون عجیب می‌شود، تکه‌تکه شدن دکتر نون را در وجدان مجسم می‌کند؛ کسی که در جامعه چندپاره، چاره‌ای جز قطعه‌قطعه شدگی شخصیتی ندارد (نک. ۳۸-۳۹).

۶- تحلیل گفتمان انتقادی رمان در سطح توصیف

اگر رمان دکتر نون را متناسب با ویژگی‌هایی که در سطح توصیف باید در نظر داشت بررسی و تحلیل کنیم، به‌وضوح با کاربرد هدفمند و دقیق واژگان، کاربرد ضمائر، قیده‌ها، افعال و گزاره‌ها و... روبه‌رو می‌شویم. انتخاب دو دسته واژگان تقابلی مرتبط با دو گفتمان رایج در سطح داستان، هم‌نشینی مناسب آن واژگان با جمله، تضاد و تناقض در معنا، کاربرد ضمائر متناسب با هر گفتمان، استفاده از اسامی نمادین در کنار اسامی خاص تاریخی، کاربرد فراوان افعال معلوم در کنار کاربرد خاص و موقعیتی فعل مجهول و گزاره‌های گفتمانی، همه مبین تلاش نویسنده در القای اهداف ایدئولوژیک خویش در واکاوی رابطه زبان و گفتمان است.

۶-۱- واژگان هسته‌ای و غیرهسته‌ای

رمان دکتر نون در سطح توصیف، با نشانه‌ها و کدهایی همراه است که در چارچوب بافت زبانی^۱ مبین ارتباط علی و معلولی واژگان در محور هم‌نشینی و جان‌نشینی است. با این حال، تمامی لغات در دستگاه واژگانی^۲ از شأن و کارکردی مساوی برخوردار نیستند. برخی به سبب نقش خاص خود، در مرکز قرار می‌گیرند و نقش کلان‌هسته‌ای^۳ دارند و

1. linguistic context

2. vocabulary

3. coral

برخی غیرهسته‌ای^۱ هستند. واژگان هسته‌ای طبیعی‌ترین و بنیادی‌ترین اقلام واژگانی هستند و شش خصیصه دارند:

- ۱- کلمات هسته‌ای اغلب متضاد مشخصی دارند.
- ۲- کلمات هسته‌ای از بسامد بیشتری برخوردارند.
- ۳- در هر گروه مرتبط واژگانی معمولاً کلمه‌ای خنثی و بی‌نشان وجود دارد که دیگر اعضای گروه برحسب آن تعریف می‌شوند.
- ۴- از کلمات هسته‌ای مشخصاً معانی ضمنی و کنایی مستفاد نمی‌شود.
- ۵- کلمات هسته‌ای حالت عام دارند و معمولاً به حوزه و رشته‌ای خاص از کلام و گفتمان تعلق ندارند.
- ۶- کلمات هسته‌ای غالباً مفهومی فراگیرتر از دیگر کلمات گروه دارند (نک. یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۳۵-۱۳۴).

با این اوصاف، کلمات هسته‌ای همان کلمات مکرر، پربسامد و ساده‌ای هستند که در هر زبان و نوشته‌ای وجود دارند. لذا آنچه در این میان ارزش دارد، یافتن کلمات غیرهسته‌ای است که بسته به اوضاع گفتمان و بافت و موقعیت اجتماعی موجود در متن کاربرد دارند. استفاده از واژگان هسته‌ای به جای واژگان غیرهسته‌ای - که بی‌نشان و غالباً غیرمعمول‌اند - بهره‌گیری از راهبرد و شگرد گفتمانی در اعمال سلطه و ایجاد مرز طبقاتی است (همان: ۱۳۷).

با این توضیح، واژگان هسته‌ای و غیرهسته‌ای مربوط به طیف‌های اجتماعی موجود در رمان را می‌توان این‌گونه طبقه‌بندی کرد:

واژگان سیاسی غیرهسته‌ای معطوف به طیف اقتدارطلب: ذات اقدس همایونی، سلطنت، استبداد رضاشاه، کودتا، آمریکا، انگلستان، مملکت، سرلشکر، تجاوز، اشرافیت، شازده قاجار، و... .

واژگان هسته‌ای معطوف به دایره واژگانی غیرهسته‌ای طیف اقتدارطلب: بی‌ثباتی اقتصادی، توهین، شورش، ناامنی، تبعید، تزلزل آفرینی، خیانت، وطن‌فروش، و... .

واژگان غیرهسته‌ای معطوف به طیف روشنفکر طرفدار مردم‌سالاری: نخست‌وزیری، جمهوری، مردم‌داری، آزادی‌خواهان، مشروطه‌طلب، آریوبرزن، سیاست، سرسپردگی، روزنامه، مشاوره، وزارت دادگستری، معاون، وزیر، فرنگی‌مآب، استقلال، آزادی، شریعت، امام، قهرمان ملی، توده‌ای، شرافت سیاسی، مخالف استبداد رضاشاهی، مبارز، قیام، و ...

واژگان هسته‌ای معطوف به دایره واژگانی غیرهسته‌ای طیف روشنفکران طرفدار مردم‌سالاری: مرگ، فراموشی، شکست، تعریف و تمجید، طعنه و تحقیر، پیروی و انتقام، عاشق و معشوق، بیژن و منیژه و رومئو و ژولیت، شهید، عشق، دوستی، ارادت، وفا، ازدواج، معاونت، همکاری، آرزو، امید، درخت، باغچه، و ...

واژگان غیرهسته‌ای معطوف به طیف روشنفکران محافظه‌کار: زن قانونی، کروات، عذاب وجدان، قایم‌باشک بازی، هوادار، فرار از مملکت خراب‌شده، دست‌کم گرفتن امریکا، و ...

واژگان هسته‌ای معطوف به دایره واژگانی غیرهسته‌ای طیف روشنفکران محافظه‌کار: تجاوز، قول دادن، حاشا کردن، دروغ، خوشبختی، خائن، طرد و تبعید، تنهایی و دل‌تنگی و دل‌شکستگی، هراس از تسلیم شدن و زه‌زدن، بیم، و ...

استفاده از این دو دسته واژگان در سه طبقه یادشده، بیانگر جریان داشتن سه طیف غالب گفتمانی در سطح روساخت و ژرف‌ساخت رمان است؛ سه گفتمانی که اساس ساختار واژگانی و عناصر نحوی و صرفی بر مبنای آن پایه‌ریزی شده‌است.

۶-۲- کاربرد ضمائر

رمان دکتر نون از نظر کاربرد ضمائر، بسیار متنوع است، اما بسامد ضمائر مفرد از ضمائر جمع بسیار بیشتر است. گستره پربسامد ضمائر منفصل و متصل اول شخص مفرد (من، م)، دوم‌شخص مفرد (تو، ت) و ضمیر مشترک «خود» و آمیختگی آن ضمائر با ضمیر سوم‌شخص مفرد (او، او، د) از چند منظر قابل تأمل است. بسامد فراوان اول‌شخص و کاربرد محدود ضمائر جمع، نشانه غلبه فردگرایی بر جمع‌گرایی در جامعه‌ای است که جمعیت خاطر و وحدت عقیده‌اش را از دست داده‌است. تنوع این کاربرد و تغییر ناگهانی آن ضمائر، همگی از قطعه‌قطعه شدگی هویت شخصیت‌ها حکایت می‌کند، و حضور و غیبت ناگهانی در کنش‌های گفتاری، نمودار آشفتگی روحی و گم‌گشتگی مرزهای شناختی و عاطفی شخصیت‌ها در فضای یأس‌زده کودتاست. البته از منظر دیگر، بسامد ضمائر اول

شخص، نشانه صمیمیت زبان شخصیت‌ها و طرحی برای نزدیکی خواننده با فضای رمان نیز به شمار می‌آید. همچنین بهره‌مندی فراوان از ضمائر اول شخص که راوی برای خود و شخصیت‌های نزدیک به خود برمی‌گزیند و کاربرد اندک ضمائر جمع، به‌ویژه اول شخص جمع که غالباً برای شخصیت‌های منتسب به دستگاه قدرت برگزیده می‌شود، نمایش فضای سلسله‌مراتبی موجود در فرهنگ ایرانی است که غالباً با کاربرد ضمائر جمع برای مقام فراتر، در مقابل ضمائر اول شخص برای مقام فروتر، نشان داده می‌شود. ویلیام بی‌من در این باره می‌نویسد: «کاربرد یک‌طرفه ضمائر مفرد می‌تواند نشانه‌ای بر وجود رابطه فرادست- فرودست باشد» (۱۳۸۶: ۲۱۶). در برخورد‌های فرادست با فرودست، افعال وجه امری و تأکیدی دارند و ضمائر جمع (فرادست) در برابر مفرد (فرودست) به کار می‌رود تا فرادستان به اهمیت جایگاه خود در برابر فرودستان اذعان داشته باشند و به آنها بقبولانند که باید حرف‌شنو باشند. بررسی ضمائر در گفتگوی ارتشید زاهدی (نماینده گفتمان قدرت) و دکتر نون (نماینده گفتمان مردمی) این مسأله را به‌خوبی نشان می‌دهد:

من سرلشکر زاهدی، نخست وزیر جدید، هستم. دکتر مصدقو دستگیر کردیم و تا چند وقت دیگه محاکمه‌اش می‌کنیم. اگه شما یه مصاحبه رادیویی جانانه علیه اون بکنی، آزاد می‌شوی...
والا کاری می‌کنیم که دق مرگ بشی. مطمئن باش که راهشو خیلی خوب بلدیم. مگه دیشب نزدیم دکتر فاطمی رو سقط نکردیم؟ (۴۰).
حاضر نیستی مصاحبه کنی؟ می‌بینیم. تحقیقات نشون داده که زنتو خیلی دوست داری. حالا ما سعی می‌کنیم با شکنجه دادن زنت، تو رو سر عقل بیاریم (۴۷).

این کاربرد در بخش‌هایی که دکتر نون مصدق را مورد خطاب قرار می‌دهد، نیز دیده می‌شود؛ یعنی هم به دلیل علاقه و احترام به دکتر مصدق و هم به دلیل مقام و منصبش، برای او از ضمائر جمع استفاده می‌کند:

به آقای مصدق، که کنار در حیاط ایستاده بود، گفتم: «سال‌های ساله که شما بین من و ملک‌تاج ایستادین. شما سد بزرگی در راه خوشبختی من و ملک‌تاج بودین» (۱۲).

انتخاب ضمائر جمع در خطاب مردم به دکتر نون، هنگامی که دکتر نون همچنان در طیف آزادی‌خواهان و طرفداران مصدق و مردم‌سالاری است و برعکس آن، گزینش ضمائر مفرد برای تحقیر و تهدید دکتر نون، دو رویه متفاوت از صورت گفتمان غالب

مردم‌سالاری در جامعه است؛ یکی در هنگامی که به ایدئولوژی و قدرت متصل است و دیگری هنگامی که تحت سلطهٔ گفتمانی دیگر، از پشتوانهٔ قدرت تهی می‌شود:

گفت: «از دست این مردم. محسن، می‌گن ما مدیون شوهر شما هستیم. پشت اسم آقای مصدق، اسم تو رو می‌آرن و می‌گن تو افتخار خیابون عزیزآبادی. می‌گن ما پول نمی‌گیریم تا شما نمک‌گیر بشین و همیشه تو خیابون عزیزآباد بمونین. اینو بذارین به حساب قدردونی ما از شوهرتون!» (۲۵-۲۴).

این خونه شده مثل یه جزیرهٔ کوچیک وسط یه دریای بزرگ. تو همه‌اش نشست کنج این خونه و هیچ چیز رو نمی‌بینی. مغازه‌داران این خیابون به من دیگه جنس نمی‌فروشن! می‌دونی چقدر باید راه برم تا خواربار این خونه رو تهیه کنم؟ ما که بیشتر از اینا دستمون به دهنمون می‌رسه. بیا از این محل کوفتی بریم! بیا یه خونهٔ بزرگ با یه باغ باصفا شمال شهر بخریم و دست کم خودمونو اون‌جا از چشم مردم پنهان کنیم (۶۸).

۶-۳- کاربرد فعل و انواع آن

به دلیل گذران داستان در گذشته و روایت خاطره‌وار رخدادها و کنش‌های گفتاری و رفتاری شخصیت‌ها، کاربرد فراوان و بسیار گستردهٔ فعل‌های ماضی، در برابر افعال مضارع آشکار است؛ اما اگر به کیفیت افعال جملات و عبارات داخل گفتگوها یا نقل قول‌های مستقیم رمان توجه شود، کاربرد قابل‌تأمل افعال مضارع در کنار افعال گذشته (ماضی) مشاهده می‌شود. استقرار این‌گونه افعال، گاه نشانهٔ تلاش نویسنده برای امروری جلوه‌دادن گذشته و باورپذیری آنهاست؛ زیرا آمیختگی گذشته و حال را باید پیوند سمبلیک تاریخ با رخدادهای اجتماعی روزگار (زمان حال) دانست:

پوزخند زد و گفت: «می‌خواد روان‌شاد دکتر فاطمی بشه. حرف‌های گنده‌تر از دهنش می‌زنه! هیچ‌کس نه و اونم دکتر فاطمی! حیفِ اون آدم به اون نازنینی نیست که اسمشو می‌آری، مردک خیانتکار؟»

ملک‌تاج عروسک چینی روی تاقچه را برداشت و به طرف دیوار پرت کرد. فریاد کشید: «عذاب تو بیشتر از دکتر فاطمیه. دکتر فاطمی بعد از چند ساعت ناراحتی، مرد و خلاص شد. اما تو سال‌هاست که داری زجر می‌کشی. سال‌هاست که هی می‌میری و زنده می‌شوی. بس کن دیگه مرد» (۷۲).

نکتهٔ قابل‌تأمل دیگر، کیفیت و کمیت کاربرد افعال معلوم در مقابل افعال مجهول است. نویسنده می‌خواهد از طریق بسامد استفاده از افعال معلوم، پیام نهفته در دل

رخدادها و گفتگوها را به مخاطبان برساند. مشخص بودن فاعل افعال و اعمال، قدرت تصمیم‌گیری مخاطب را برای نتیجه‌گیری بیشتر می‌کند و مقدمات فهم متن را مهیا می‌سازد. این کار بستِ پربسامد، به‌ویژه در گفتمان طیف‌های روشنفکر (مردم‌سالار و محافظه‌کار)، می‌تواند به بازنمایی فضای اتهام‌افکنی و خوداتهامی پس از شکست گفتمان روشنفکری در برابر گفتمان متکی به قدرت، کمک نماید. پیداست در چنین اوضاعی در پرده سخن گفتن نمی‌تواند به تیرۀ فرد یا جناحی خاص منجر شود، پس باید با یادکرد از فاعل و استفاده از فعل‌های معلوم، دیگری را در معرض قضاوت مردم قرار داد:

آقای مصدق به تنه درخت توت تکیه داد و با اوقات تلخی گفت: «اون مصاحبه کارو خراب کرد. اون کار خیانت بود. با اون مصاحبه مشروعیت دادی به اینا. شادروان دکتر فاطمی این اشتباهو نکرد. مقاومت کرد. مثل شیر نر. نور به قبرش ببارد. مگه تو به من قول نداده بودی که هرگز به من خیانت نکنی؟» (ص ۴۰).

همچنین در جملات معطوف به این طیف، افعال مجهول در برابر واقعه آزردهنده، نظیر کودتا، به دلیل کراهیت از ذکر فاعل و عمل و اهمیت مفعول و نقش آن در جریان‌سازی اجتماعی و سیاسی کاربرد می‌یابد (نک. ۱۸-۱۷).

در گفتمان منسوب به طیف اقتدارطلب نیز استفاده از فعل معلوم در جایگاه اتهام و محاکمه روشنفکران و استفاده از افعال مجهول در هنگام حقیر شمردن مخالفان و نمایش قدرت بیشتر می‌شود. از این‌رو، زبان این طیف در خدمت ایدئولوژی و قدرت قرار می‌گیرد (نک. ۴۸-۴۶).

۴-۶- کاربرد خاص قیده‌ها

در بررسی جملات مرتبط با شخصیت‌های دو طیف گفتمانی، بهره‌گیری از قیده‌های قطعیت و تأکیدی برای گفتمان متکی به پشتوانه قدرت آشکار است:

خواهش بی‌خواهش. از حالا به بعد، زنت باید با دلشوره و دلواپسی زندگی کنه (۳۸)؛ تا تنور داغه باید علیه مصدق یه مصاحبه رادیویی بکنی (۳۹)؛ مصاحبه‌گر رادیو سؤالش را با قاطعیت بیشتری تکرار کرد: «تصمیم آقای مصدق چه بود؟» (۴۸).

در این گفتمان، قیده‌های تردید در کنار قیده‌های تأکیدی و قطعیت، برای شکاف بین مخالفان و ایجاد تعلیق و هول و ولا در میان آنها به کار گرفته می‌شود:

مصاحبه شما که نزدیک‌ترین فرد به مصدق بودی، برای ما خیلی مهمه. خدا رو چه دیدی، شاید دوباره دری به تخته خورد و وکیل و وزیر شدی. شاید مثل دکتر امینی اصلاً اومدی توی کابینه خودم. والا کاری می‌کنیم که دق مرگ بشی. مطمئن باش که راهشو خیلی خوب بلدیم. مگه همین دیشب نزدیک دکتر فاطمی رو سقط نکردیم؟ (۴۰).

در طیف مقابل نیز، استفاده از قیدهای قطعیت در هنگام امید برای رسیدن به آزادی و استقلال ناشی از حکومت مردم‌سالار دیده می‌شود و استفاده از قیدهای قطعیت، در کنار تأسف و آرزو، برای گفتمان روشنفکری پس از کودتا - که در پی شکستی باورنکردنی به آشفتگی دچار گشته‌اند - نمایان است (نک. ۲۰ و ۳۷).

۶-۵- کاربرد خاص و گسترده وجه پرسشی و امری

از ویژگی‌های زبانی رمان دکتر نون، کاربرد فراوان وجوه پرسشی و گفتمان دیالکتیکی در برابر وجه التزامی است. غلبه وجه پرسشی از چند منظر قابل تأمل است: نخست، جلب نظر مخاطب؛ دوم، مسأله‌محوری رخدادها در رمان تا در دل این گزاره‌های پرسشی، مخاطبان را به ژرفای اندیشه و عواطف شخصیت‌ها در روایتی با حوادث و کنش‌های گفتاری و رفتاری موجود در جامعه رهنمون شود؛ سوم، برجسته کردن متن گفتمان محور برای هدایت ذهن خوانندگان به سوی پیام‌هایی که ممکن است از متن دریافت نمایند:

مثلاً من و تو از آزادخواهان دوره مشروطه‌ایم. مثلاً من و تو جزء مخالفان استبداد رضاشاه بودیم. مثلاً من و تو نصف ثروتمونو خرج استقلال این کشور کردیم. من از کجا می‌دونستم این حرومزاده خائن از آب درمی‌آد؟ از کجا می‌دونستم ما رو جلو مصدق سرافکنده می‌کنه؟ (۶۲-۶۱).
ملک تاج حرفم را با دلخوری قطع کرد و گفت: کدوم مردم؟ تو هم دلت خوشه! مگه همین مردم توی تاریکی طوری نزدنت که دو هفته توی بیمارستان به حال مرگ افتاده بودی؟ مگه طوری نزدنت که یه پایت چلاق شد؟ تلافی اون مصاحبه رو سرت درآوردن. دیگه چی می‌خوان از جونمون؟ باز هم می‌گن مردم (۶۵).

استفاده از وجه امری و پرسشی مؤکد در جمله‌بندی شخصیت‌های متکی به قدرت نیز از ویژگی‌های رمان دکتر نون در سطح توصیف است (نک. ۳۸).

۶-۶- کیفیت کنش‌های گفتاری و رفتاری

آنچه ارزش‌آفرین است و از منظر گفتمانی تأمل‌برانگیز، کاربرد فراوان جملات کنشی در رمان است. این جملات می‌توانند موافق یا ناموافق، خوشایند و یا ناخوشایند باشند؛

برخلاف جملات قطعی که می‌توانند درست یا نادرست باشند (نک. آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۶). فعل‌هایی چون قول دادن، بیان کردن، گفتن و... گویای جملات کنشی‌اند، درحالی‌که افعال قطعی، نظیر قدم‌زدن، خوابیدن، خوردن و... به نفس عمل اشاره مستقیم دارند. جملات کنشی، نقاط حساسیت‌زای رمان محسوب می‌شوند، زیرا استفاده از آنها نه تنها نظر خوانندگان را به خود معطوف می‌کند، زمینه‌ساز حوادثی است که داستان را به امری غیرمنتظره و خروج از حالت عادی سخن یا رخدادها می‌کشاند؛ چنان‌که قول دکتر نون و دکتر فاطمی به دکتر مصدق و بی‌ثباتی و مرعوب شدن دکتر نون در برابر گفتمان قدرت و محکوم شدن به خیانت و پیمان‌شکنی، اساس حوادث رمان را پی‌ریزی کرده و داستان را پیش می‌برد (نک. ۴۵-۴۴).

استفاده از کنش‌های گفتاری مستقیم و غیرمستقیم نیز صورتی دیگر از کاربرد زبان در هدایت رمان به سمت تبیین و تفسیر است. گرچه این کنش‌های گفتاری در صورت تحت‌اللفظی نیز قابل فهم‌اند، قرار گرفتن آنها در بافت گفتمانی،^۱ بار معنایی نمادین و سمبلیکی را بر جملات استوار می‌کند. پل گرایس معتقد است برای توازن و تعاون در مکالمه‌گری چهار اصل لازم است: ۱- اصل کیفیت: دروغ را بر زبان نیاوریم، آنچه برایش شواهد و دلایل کافی نداریم مطرح نکنیم (البته باید به این اصل، توجه به میزان درک و فهم طرف مکالمه را نیز بیفزاییم)؛ ۲- اصل کمیت: اطلاعات کافی و وافی داشته باشیم و به اعتدال (نه زیاد و نه کم) سخن بگوییم؛ ۳- اصل ارتباط: سخن مربوط به موضوع بگوییم و از حشو و حاشیه پرهیز کنیم؛ ۴- اصل روشنی، وضوح و نظم: از ایجاز مخل، کژتابی و پراکندگی ساختاری و کلامی پرهیز کنیم (نک. مکاریک، ۱۳۸۵: ۲۳۹). اگر جملات گفتاری یا گفتگوهای شخصیت‌های رمان را مطابق نگرش گرایس بررسی کنیم، مشاهده می‌شود که اساساً در مبادلات کلامی آنها اصولی رعایت نمی‌شود. شناوری واژگان و انحراف از معیارهای گفتاری، وجه بارز این بی‌اصولی است. ناروشنی و ارجاع به زوایای پنهان گفتارها و اعمال، رعایت نکردن معیارهای اخلاقی و تعهدی و تهمت و افتراء، بی‌احترامی و بی‌اعتمادی به طرف گفتگو و تشویش حاصل از بی‌نتیجه بودن، فرافکنی و جرم را به گردن دیگری افکندن و... چنان‌که در گفتگوهای دکتر نون با مصدق و یا ملک‌تاج و دکتر امینی دیده می‌شود، گویای برهم خوردن تعادل گفتمانی در جامعه

است. استفاده از جمله‌های کوتاه و بریده‌بریده دو شکل متناقض دارد، از یک‌سو، می‌تواند بر آشفتگی روانی شخصیت‌ها در جامعه اشاره کند و از دیگر سو، بر قطعیت زبانی و صراحت در سطح گفتمانی. رمان دکتر نون با غلبه جملات کوتاه به هر دو سوی این مفهوم اشاره می‌کند.

۶-۷- همنوایی و هماهنگی واژگان با فضای تاریک حاکم بر رمان

از خصایص سبکی و زبانی رمان دکتر نون، هماهنگی بسیار تأثیرگذار واژگان در تداعی فضای روحی و عاطفی حاکم بر زندگی بیرونی (محیط) و زندگی درونی (روان و عاطفه) شخصیت‌هاست:

پنجره اتاق بیمارستان، آسمان آبی را قاب گرفته بود و آفتاب بی‌رمق و پرنرنگ پاییزی زور زده بود و تا وسط تخت جلو آمده بود، سرگشته و ناامید (۳۲).

از نظر بافت موقعیت یا فضای رخدادهای داستانی، عناصری چون فضای غمزده خانه، بی‌ثمر بودن زندگی زناشویی، بی‌حاصلی کاخ و تکرار و ملال آن در حیاط خانه، بیمارستان و قبرستان، زندان و شکنجه و... همگی مبین فضای ملتهب و اختناق‌آوری است که شخصیت اصلی داستان در آن گرفتار آمده‌است و راه برون‌رفتی نمی‌یابد. حتی فضای وجدانی و روحی او نیز متناسب با احساس گناه و تقصیر بر تنگنایی رمان بیشتر اشاره دارد. تناسب جغرافیایی و فضای بیرونی داستان با حال و هوای درونی و روحی شخصیت‌ها نیز از ویژگی‌های برجسته رمان است.

بچه نداشتن دکتر نون و ملک‌تاج، از یک‌سو، نشانه بی‌ثمر بودن اقدامات روشنفکران برای تغییر بنیان‌های سیاسی ایران است و از طرف دیگر، نمادی از بی‌حرکی و سکون جامعه و بیان تأسفات‌انگیز تربیت نشدن نسلی است که بتواند جویای مرام آزادی‌خواهانه باشد. همچنین غبطه‌خوردن دکتر نون و همسرش از بچه‌داری کلاغ - که در فرهنگ ایرانی نماد شومی است - می‌تواند نشانه شدت ناامیدی آنها باشد (نک. ۱۶-۱۷).

۷- تحلیل گفتمان انتقادی رمان در سطح تفسیر

۷-۱- بافت موقعیت و بینامتنی در رمان

ماجرای رمان مربوط به دورانی است که امیدها و آمال مردم در برپایی مردم‌سالاری و آزادی بر باد رفته‌است و روشنفکران - که پیشروان این جنبش مردمی محسوب

می‌شوند- با دخالت مستقیم بیگانگان و بازگشت مجدد دیکتاتوری، یا سرکوب و زندانی شده و یا گوشه‌نشینی برگزیده و با غبطه از دست دادن فرصت‌ها، به خوداتهامی رسیده‌اند. رمان دکتر نون، انعکاس میزان و نسبت پایداری نوستالژیک این شکست است. با اینکه رمان سال‌ها پس از آن اتفاق تاریخی نوشته شده است (چاپ اول: ۱۳۸۰)، متأثر از آن فضای تاریخی- اجتماعی و برابند گفتمان‌های جامعه ایرانی پس از عصر کودتاست. لذا شگفت‌آور نیست اگر این رمان، به دلیل انتسابش به آن بافت و موقعیت، در پیوندی بینامتنی^۱ با آثار قبل از خود - که به نحوی محصول فضای جامعه پس از شکست‌اند- نوشته شود. بینامتنیت^۲ به کارگرفته در رمان دکتر نون، بینامتنیت سازنده است که می‌توان از دیدگاه فرکلاف آن را بیناگفتمانی^۳ معنا کرد (نک. سلطانی، ۱۳۸۷: ۶۸).

درنگ در پیوندهای پیدا و پنهان داستان دکتر نون با رمان *شازده/حتجاج*، نوشته هوشنگ گلشیری، بستر ساز نقب به ذهنیت و واکاوی درون‌گرایانه جریان‌های سیاسی معاصر ایران است و می‌تواند مخاطبان را به خصایص روانی سیاست‌مداران و حتی طبقات اجتماعی رهنمون سازد. گذشته از شباهت‌هایی که از نظر شکل روایت وجود دارد (تغییر زاویه دید و برهم زدن توالی طبیعی زمان و جابه‌جایی مکان)، از نظر درون‌مایه نیز شباهت‌هایی بین آن دو وجود دارد. فضای محدود خانه، تنهایی و انزوا، یادآوری خاطرات، احضار مردگان در پیش روی راوی، آشفتگی و پریشانی افکار شخصیت‌ها، ترسیم نوسان جامعه سنت‌مدار میان سنت و تجدد، تعلیق در هویت شخصیت‌ها که دائماً به نفی گذشته‌ها و چالش با آن می‌پردازد، و ... همگی یادآور رمان *شازده/حتجاج* است (نک. گلشیری، ۱۳۸۱).

آنچه بین رمان دکتر نون و *شازده/حتجاج* اختلاف ایجاد می‌کند، تفاوتی است که به دلیل رویکرد پسامدرنیستی دکتر نون ایجاد شده است. گسست روایت خطی رمان و بازگشت آخر رمان دکتر نون به ابتدای آن (مطابق پایان‌بندی داستان‌های پسامدرن)، آغاز براعت استهلال‌گونه رمان دکتر نون (برخلاف پیشرفت تدریجی و پیرنگ خطی رمان *شازده/حتجاج*)، درآمیختگی روایت اول شخص با سوم شخص و تغییر التفات‌گونه

1. intertextual connection
2. intertextuality
3. Interdiscursivity

زاویه دید، فلاش بک‌های خاطره‌وار و تعلیق هویتی شخصیت اصلی رمان دکتر نون (برخلاف بی‌هویتی شخصیت‌شازده/حتجاب)، از جمله این اختلاف‌هاست.

از منظری دیگر، از آنجاکه رمان دکتر نون می‌کوشد با پرداختن به خصایص روحی به روان‌شناسی اجتماعی ایران پس از دوران شکست نیز پردازد، سبک و سیاق آن بی‌شبهت به بوف کور صادق هدایت نیست. شیوه پردازش خصوصیات روحی شخصیت‌ها و تلاش برای نمایاندن اختلالات روانی آنها، به‌ویژه فضاسازی‌های متناسب با آن افکار و روحيات، کوششی است که خواه ناخواه، رمان دکتر نون را به بوف کور هدایت شبیه می‌کند. استفاده از فضای وهم‌آلود و تیره، همنوایی طبیعت با جو غم‌زده و آشفتگی روحی و روانی شخصیت‌ها، حلول روح‌ها در یکدیگر یا شباهت عجیب شخصیت‌ها به یکدیگر، استفاده از واژگانی که در طی رمان رمزگشایی می‌شود (همانند واژگانی که صادق هدایت در ابتدای بوف کور از آنها بهره برده‌است)، پیری و خستگی از زندگی (پیری دکتر نون در مقایسه با پیرمرد خنزرپنزی)، و آغاز سرد و گزنده رمان دکتر نون که به اقتباس از رمان بوف کور نوشته شده (نک. هدایت، ۱۳۸۳: ۱)، همگی گویای ارتباط بینامتنی این رمان با بوف کور هدایت است. البته به علت سرخوردگی، تنهایی و ناامیدی دکتر نون آشکارا در متن اشاره شده‌است، اما در بوف کور با این‌که می‌توان دلیل سرگشتگی، سیه‌روزی و بدبینی شخصیت اصلی رمان را علاوه بر ناامیدی در پاسخ‌یابی برای پرسش‌های فلسفی حیات، ناشی از ناامیدی در رسیدن به آرامش فردی و اجتماعی در حاکمیت دیکتاتوری رضاشاهی دانست، در رمان اشاره‌ای به آن واقعه تاریخی (شکست مشروطه) نشده‌است.

مؤلفه قابل توجه دیگر که تأثیرپذیری رمان را از ساختار فکری جامعه ایرانی نشان می‌دهد، غلبه روایت مردسالارانه است؛ نکته‌ای که می‌توان جهت‌گیری گفتمان غالب رمان را نیز بر آن مبنا بررسی کرد. رمان دکتر نون از نظر انعکاس تصویر زنانی چون ملک‌تاج که آمیخته با هوا و هوس و امید و آرزو و روزمرگی است، نوعی بازگشت به تفکر سنتی حاکم بر اندیشه ایرانی (مردسالاری و پرده‌نشینی زنان) و ارتجاع به روایت یهودیت (فریب خوردن حضرت آدم از شیطان به واسطه حوا) به‌شمار می‌آید؛ روایتی که زنان را عامل بیچارگی، فریب، درماندگی و پیمان‌شکنی مردان معرفی می‌کند.

گرچه ممکن است هدف نویسنده از بازسازی این روایت، تحریک نگرش فمینیستی و برانگیختگی حس زنان باشد، اما بی‌هویتی و وابستگی ملک‌تاج به دکتر نون و عشق دکتر نون و حس مالکیتش بر روح و جسم ملک‌تاج (نک. ۸)، نمودار زندگی حاشیه‌ای زنان در جامعه ایرانی و همچنین کم‌رنگی نقش آنان در جنبش‌های اجتماعی معاصر است.

۷-۲- گفتمان‌ها و چارچوب‌های دخیل در ماجرا

چنان‌که گفته‌شد، حوادث رمان به دو دسته قبل و پس از کودتا تقسیم می‌شود و شخصیت‌ها در میان این دو پهنه، به سه گروه تقسیم می‌شوند. افراد قبل از کودتا که تقریباً تمام جامعه آن‌روز ایران را شامل می‌شدند، با شور و نشاط و احساس احیا و تجدید قوایی که پس از مشروطه در ذهن و زبان جامعه نفوذ کرده بود، در پی تحول در همه ابعاد جامعه بودند. این افراد پس از کودتا، سرخورده و ناامید، عظمت خود را با دخالت بیگانه بربادرفته می‌دیدند. در رمان دکتر نون، روشنفکران طرفدار مردم‌سالاری (دکتر مصدق، دکتر فاطمی و حامیان آنها) و طیف روشنفکران محافظه‌کار (مثل دکتر امینی و دکتر نون) در مقابل گروه سوم، یعنی ائتلاف قدرت حاکم، امریکا و انگلیس قرار گرفتند.

۷-۳- برخورد مشارکان با ماجراها

در رهگذر تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بعد از مشروطه، جامعه ایرانی خواستار مقابله با استعمار و در پی آزادی و هویت ملی بود و امید به دگرگونی در همه عرصه‌ها، به‌ویژه بنیان سیاسی جامعه، همه‌جا سایه افکنده بود. از دیگر سو، زمزمه تردید در توفیق دکتر مصدق نیز در جامعه طنین‌انداز شده بود. بعد از کودتای مصدق تمام آرمان‌ها بر باد رفت و طرفداران مصدق دستگیر و زندانی شدند (نک. فوران، ۱۳۸۹: ۴۴۶-۳۹۵). این مسأله به‌وضوح در رمان، با دستگیری گسترده، اتهام‌زنی و... نشان داده می‌شود.

۸- تحلیل گفتمان انتقادی رمان در سطح تبیین

رمان دکتر نون، تبیین جایگاه کودتای ۲۸ مرداد در حافظه تاریخی ملت ایران و نقش‌آفرینی مدام آن در ناخودآگاه قومی ایرانیان است. چنان‌که در سطح توصیف

مشخص شد، سراسر رمان عرصه تقابل دو گفتمان برجسته در ساحت اجتماعی ایران معاصر است؛ یکی گفتمان مردمی و آزادی‌خواه و دیگری، گفتمان استبدادی و اقتدارطلب. تقابل آزادی و بند، آسایش روحی و اضطراب و پریشانی، تعهد و بی‌تعهدی، وفاداری یا خیانت، دوستی یا دشمنی، زن یا مرد و... همگی فضای رمان را در هیجان تقابلی فرو برده‌است. الگوی این کشمکش از تضاد درونی شخصیت اول داستان (دکتر نون) و قرار گرفتن او میان عشق و وظیفه و اضطراب ناشی از آزمون و انتخاب شکل می‌گیرد و در خلال داستان بسط می‌یابد و در گفتگوهای وی با زنش و دکتر مصدق به صورت تنش‌های عاطفی بیشتر بر ملا می‌شود.

آنچه در این عرصه رقابتی نمود دارد، غلبه گفتمان متکی بر قدرت و اقتدارطلب بر گفتمان مردمی است که بخش اعظم آن از رهگذر دل‌سپاری و همنوایی استعمار با آن جریان به دست می‌آید. ایجاد شکاف و خوداتهامی، ترفندی است که گفتمان حکومتی برای غلبه بر گفتمان مردمی به اجرا می‌گذارد. مرعوب ساختن دکتر نون برای همکاری با حکومت و اتهام‌زنی به مصدق و دولت‌ش، تلاش در جهت اختلاف‌افکنی در جبهه جنبش‌های مردمی و اضمحلال درونی آنهاست. چنان‌که این رفتار نه تنها موجب بی‌زاری مردمی از امثال دکتر نون می‌شود، موجبات انزوا و گوشه‌نشینی روشنفکران و یأس و سرگستگی قشرهای مردم و روشنفکران را نیز فراهم می‌کند. در گفتمان استبداد، زبان در خدمت ایدئولوژی قدرت قرار می‌گیرد و شک و عدم قطعیتی که دکتر نون در مواجهه با وقایع و مردم در خود دارد، حاصل قرار گرفتن او در میان چند ایدئولوژی رقیب است. همان‌چیزی که فرکلاف آن را عامل تشمت و تردید می‌نامد (نک. آفاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۶۳).

گرچه در این رمان نقش بیگانگان یا امریکا پنهان داشته نشده‌است (نک. ۷۴)، نوک پیکان حمله و انتقاد به سوی دکتر نون به‌عنوان نمادی از روشنفکران خائن است. رحیمیان بیش از هر نویسنده دیگری، به‌جای طرح گفتمان ضد استعماری، طرح انتقادی نهیب بر پیکره روشنفکران و عوامل داخلی و حتی تعریض به فرهنگ اجتماعی ایرانیان را به نمایش می‌گذارد.

رفتار انزواطلبانه و انزجار از خود، سمبل انزوای نویسندگان و نخبگانی است که به علت ناکامی، همه امیدهای خویش را بر بادرفته دیده و حتی بر زندگی خویش فریاد

اعتراض سر می‌دهند. اینان آن دسته از شکست‌خوردگان انقلابی هستند که کاملاً به پوچی و بی‌معنایی زندگی خود رسیده‌اند. اینان برخلاف عده‌ای دیگر که یا به گذشته پر عظمت تاریخ ایران پناه می‌برند یا به آینده امیدوار می‌شوند، به شکست خود اعتراف کرده‌اند و مرگ نهضت را مرگ خود و زندگی دانسته‌اند. چنان‌که «دکتر نون» شکست دولت مصدق را شکست خود می‌داند و پناه بردن به الکل نیز نشانه‌ی تلاش برای رهایی از سنگینی این ناکامی‌هاست (نک. ۱۵-۱۴ و ۸۵).

شخصیت‌های رمان در دایره‌ی شباهت‌گونه‌ای قرار دارند که هیچ‌گاه نمی‌توان آنها را جدای از دیگری دانست. موجودیت یکی به دیگری وابسته است و بی‌یکی، دیگری معنایی نخواهد یافت. این تعامل لازم و ملزومی، یکی از عوامل تعلیق و انسجام متنی رمان است. لازمه‌ی وجود دکتر نون، ملک‌تاج است؛ لازمه‌ی حضور مصدق، دکتر نون و ملک‌تاج؛ و لازمه‌ی حضور دکتر فاطمی، دکتر نون و مصدق و...؛ دنیای متشابهی که همگی در ذهن دکتر نون می‌گذرد.

این رمان صد و یازده صفحه‌ای را باید از مقوله‌ی رمان‌های سیاسی - تاریخی به شمار آورد، زیرا رحیمیان در این داستان بلند، آشکارا نسبت روشن‌فکران و خدمت و خیانت آنان را در توطئه‌ی آمریکایی (کودتای ۲۸ مرداد) نشان می‌دهد. در واقع، او تأثیر سیاست را در زندگی انسان معاصر، در قالب زندگی «دکتر نون» روایت می‌کند. داستان دکتر نون و مصدق، داستان درد تاریخی خدمت و خیانت است. مصدق سمبل خادمی است که به واسطه‌ی خدمت و نخبگی‌اش محبوب مردم است و دکتر نون نماد همراهانی است که به دلیل خیانت، موجبات سقوط مصدق و کشته شدن نخبگان را فراهم می‌آورند. دکتر نون داستان قربانی شدن انسان‌ها در فرهنگی است که دیوار بی‌اعتمادی بر آنان سایه افکنده‌است. در این عرصه زن و مرد، دوست و دشمن، و مراد و مرید، هر دو، باخته‌اند.

رمان دکتر نون با دو بن‌مایه‌ی اساسی و متناقض‌نما همراه است؛ یکی سیاست و دیگری عشق. گرچه نویسنده کوشیده‌است تا با روساخت و دست‌مایه‌ی عاشقانه، ذهن مخاطب را به سمت ژانر عاشقانه و رمان‌های رمانتیک منحرف سازد، تحلیل عناصر گفتمانی در رمان، ژرف ساخت سیاسی داستان را برجسته می‌سازد. تحلیل گفتمانی متن نشان می‌دهد که رمان دکتر نون، یک رمان عاطفی صرف با ژرف‌ساخت عاشقانه

نیست، بلکه رمانتیسیسم نوستالژیکی است که پس از جریان‌های مهم تاریخی بر ذهن و ضمیر روشنفکران و نخبگان ایرانی سایه می‌افکند. در حقیقت رمان دکتر نون یک رمان سیاسی با چاشنی عاشقانه است، نه رمان عاشقانه با چاشنی سیاسی.

گرچه به‌ظاهر رحیمیان نخواست‌است حُبّ و بغض‌های سیاسی و جانبداری یا مخالفت خویش را با جریان‌های سیاسی عهد کودتا آشکار سازد، بررسی همه‌جانبه و تحلیل گفتمان انتقادی رمان خلاف این را آشکار می‌کند. او با استفاده از ابزار زبانی، ضمن اعتراض به جریان «نخبه‌کشی» در تاریخ سیاسی و اجتماعی ایرانیان (خدمت و خیانت به امثال ستارخان، باقرخان، شیخ فضل‌الله و میرزا کوچک‌خان، نمونه‌هایی از آن در دوره معاصر است)، تسامح و ساده‌اندیشی نخبگان و دلزدگی آنان را نیز در عرصه سیاسی کشور به باد انتقاد می‌گیرد. چنان‌که رحیمیان، با قرار دادن جبری دکتر نون در نظام گفتمانی قدرت و استفاده از واژگان دستگاه گفتمانی آن طیف، از این‌که وی به ایدئولوژی سلطه^(۸) روی آورده یا مرعوب آن گشته، بر او می‌تازد (نک. ۴۹).

بنابراین گفتمان غالب رمان، گفتمانی سیاسی روشنفکران ایرانی در دهه سی، به‌ویژه جامعه ایرانی پیش و پس از کودتاست. گفتمانی که با تلاش و سخت‌کوشی موفق شد پس از شکست مشروطه، مقدمات مردم‌سالاری و تضعیف سلطه استبدادی را مهیا کند، اما با دخالت بیگانگان و خائنان از اعتبار افتاد. وجه گفتمانی رمان دکتر نون در جبهه مردم‌سالاری، معطوف به ایدئولوژی روشنفکری است و بی‌اعتنایی به نقش دین و مذهب و روحانیت - چون آیت‌الله کاشانی - در به ثمر رسیدن نهضت مردمی، ملی شدن نفت و سپس روی کار آمدن مصدق و نیز خالی بودن رمان از گزاره‌های مذهبی و دینی، مبین یک‌جانبه‌گرایی ملی‌گرایانه ناشی از غلبه گفتمان روشنفکری منهای دین است.

۹- نتیجه‌گیری

رمان دکتر نون *زنش را بیشتر از مصدق دوست داشت*، رمانی سیاسی است که با پرداختن به حادثه کودتای ۲۸ مرداد، کوشیده‌است به بازنمایی نگرش نوستالژیک طیف روشنفکری جامعه ایران پس از حدود ۵۰ سال بپردازد. با تحلیل گفتمان انتقادی این رمان می‌توان به نتایج زیر اشاره کرد:

۱- در سطح توصیف، انتخاب دو دسته واژگان تقابلی مرتبط با دو گفتمان رایج، هم‌نشینی مناسب آن واژگان با جمله، تضاد و تناقض در معنا، کاربرد ضمایر متناسب با هر گفتمان، استفاده از اسامی نمادین در کنار اسامی خاص تاریخی، کاربرد فراوان افعال معلوم در کنار کاربرد خاص و موقعیتی فعل مجهول، کاربرد خاص قیدهای قطعیت از سوی طیف اقتدارطلب در کنار استفاده از قیدهای تردید برای تردیدافکنی در طیف‌های روشنفکر و همچنین استفاده روشنفکران گرفتار میان امید و ناامیدی از قیدهای تردید و آرزو، مبین تلاش نویسنده در القای اهداف ایدئولوژیک خویش در واکاوی رابطه زبان و گفتمان است.

فضای غمزده خانه، بی‌ثمر بودن زندگی زناشویی، بی‌حاصلی زندگی در کاخ و تکرار و ملال آن در حیاط خانه، بیمارستان و قبرستان، زندان، شکنجه و...، همگی مبین فضای ملتهد و اختناق‌آوری است که شخصیت اصلی داستان در آن گرفتار آمده‌است و راه برون‌رفتی نمی‌یابد. تناسب جغرافیایی و فضای بیرونی داستان با حال و هوای درونی و روحی شخصیت‌ها نیز از ویژگی‌های برجسته رمان است.

۲- در سطح تفسیر، رمان دکتر نون نمایش اوضاع سرد پس از شکست و یأس تحمیلی جامعه استبدادزده ایران دهه سی است. نویسنده به‌خوبی توانسته است فضای عاطفی و روانی حاکم بر این برهه بحران‌زده را تفسیر کند و گفتمان طیف‌های مختلف درگیر با کودتا را بازگو نماید. از آنجاکه این رمان متأثر از فضای تاریخی-اجتماعی ایران پس از عصر کودتا نوشته شد، در پیوندی بینامتنی با آثار قبل از خود، از جمله رمان *شازده/حتجاج* و *بوف کور* قرار می‌گیرد. همچنین رمان در نمایش اوضاع اجتماعی مردسالار و نقش‌آفرینی مرکزی مردان و نقش حاشیه‌ای زنان در جامعه، به‌ویژه در جنبش‌های اجتماعی معاصر، موفق عمل کرده‌است.

۳- در سطح تبیین، رمان عرصه تقابل دو گفتمان برجسته در ساحت اجتماعی ایران معاصر است؛ یکی گفتمان مردمی و آزادی‌خواه و دیگری گفتمان استبدادی و اقتدارطلب. تقابل آزادی و بند، آسایش روحی و پریشانی، تعهد و بی‌تعهدی، وفاداری یا خیانت، دوستی یا دشمنی، زن یا مرد و...، همگی فضای رمان را در هیجان تقابلی فرو برده‌است. الگوی این کشمکش از تضاد درونی شخصیت اول داستان (دکتر نون) و قرار

گرفتن او میان عشق و وظیفه و اضطراب ناشی از آزمون و انتخاب شکل می‌گیرد و در خلال داستان بسط می‌یابد و در گفتگوهای وی با زنش و دکتر مصدق به صورت تنش‌های عاطفی بیشتر برملا می‌شود. از این رو، رمان به خوبی توانسته است اوضاع آشفته پس از کودتا را برجسته کند. ایجاد شکاف و خوداتهامی در گفتمان سنت‌گرای بومی، مرعوب شدن قشر روشنفکر در برابر گفتمان غیربومی قدرت و به‌کارگیری زبان در خدمت ایدئولوژی قدرت از مشخصه‌های این اوضاع آشفته است. از سوی دیگر، رحیمیان با استفاده از ابزار زبانی، ضمن اعتراض به جریان «نخبه‌کشی» در تاریخ سیاسی و اجتماعی ایرانیان و انتقاد از تسامح و ساده‌اندیشی نخبگان و دلزدگی آنان، رویکرد گفتمان مرکزی رمان را طرح گفتمان سیاسی روشنفکران ایرانی در دهه سی قرار داده است و وجه گفتمانی غالب در رمان دکتر نون، معطوف به رویکرد ملی‌گرایانه منهای دین است.

پی‌نوشت

۱- این مقاله، برآمده از طرح پژوهشی «بررسی و تحلیل ادبیات داستانی سیاسی معاصر (۱۳۸۵-۱۳۵۷)» است که در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی در حال اجراست.

۲- البته منتقدان غربی در انتخاب این نوع ادبی پیشگام بوده‌اند؛ چنان‌که اولین بار فردی به نام موریس ادموند اسپیر در سال ۱۹۲۴ اصطلاح رمان سیاسی را مطرح ساخت. او در یک مقاله، جورج الیوت و چند نفر دیگر را به‌عنوان پیشگامان رمان سیاسی معرفی می‌کند (پارسی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۲۰۴-۱۹۷). با تأسی از چنین پژوهش‌هایی، برخی از منتقدان ایرانی با یادکرد از «رمان سیاسی» معتقدند که این نوع ادبی، با استفاده از فضا سازی مناسب، طرح سؤالات پیچیده، ایجاد راز و رمز، و به تعویق انداختن گره‌گشایی‌ها، درصدد است تا شک و انتظار مناسب ساختار رمان‌های سیاسی را ایجاد کند (همان: ۱۹۷).

۳- این اثر، در میان رمان‌های چاپ اول، برنده دومیین دوره جایزه بنیاد هوشنگ گلشیری (۱۳۸۱) شد.

۴- تأکید بر «رمان سیاسی»، برای تفکیک این رمان با «رمان سیاست‌زده» است. رمان سیاست‌زده، رمانی است که در یک گستره کلی، مسائل سیاسی کشور را در قالب داستان و سرگذشت قهرمانی روایت می‌کند که با یکی از مهره‌های سیاسی و یا با مهره اصلی سیاسی کشور مرتبط است؛ درحالی‌که رمان سیاسی نوعی تفکر سیاسی در قالب بیان ادبی است و مستقیماً با جنبه‌های معینی از زندگی سیاسی سروکار دارد و در آن جنبه‌ها و عناصر سیاسی از عناصر لازم و سازنده اثرند، نه زمینه فرعی و حاشیه‌ای آن (نک. آب نیکی، ۱۳۸۵: ۳۱).

۵- رحیمیان در سال ۱۳۵۹ از ایران به آلمان مهاجرت کرد و اکنون در شهر هامبورگ زندگی می‌کند (میرعابدینی، ۱۳۸۶: ۱۳۷). بنابراین او را باید از نویسندگان مهاجری دانست که آثار خود را متأثر از فضای جدید غرب و ذهنیت متناسب با آن فضا، درباره حوادث تاریخی و اوضاع سیاسی-اجتماعی ایران به وجود می‌آورند.

۶- البته به دلیل برجسته‌نمایی خصایص روانی شخصیت‌های رمان در جریان حوادث سیاسی، این رمان از منظر «روان‌شناسی گفتمان» نیز شایستگی تحلیل دارد.

۷- همه ارجاعات رمان به رحیمیان، ۱۳۸۳ است که تنها شماره صفحه ذکر می‌گردد.

۸- ایدئولوژی عامل اصلی شکل‌گیری گفتمان مسلط است، زیرا «ایدئولوژی سازوکار مشروعیت بخشیدن به قدرت و تولید اجتماع است» (سلطانی، ۱۳۸۷: ۳۴).

منابع

آب‌نیکی، حسن (۱۳۸۵)، «جورج اورول و سرگشتگی سوژه سیاسی مدرن»، رساله دکتری علوم سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس.

آفاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۵)، *تحلیل گفتمان انتقادی*، تهران: علمی و فرهنگی.

بهرام‌پور، شعبانعلی (۱۳۷۹)، «درآمدی بر تحلیل گفتمان»، *گفتمان و تحلیل گفتمانی*، به اهتمام محمدرضا تاجیک، تهران: فرهنگ گفتمان، صص ۳۶-۱۲.

بی‌من، ویلیام (۱۳۸۶)، *زبان، منزلت و قدرت در ایران*، ترجمه رضا مقدم‌کیا، تهران: نی.

پارسی‌نژاد، کامران (۱۳۸۷)، *نقد ادبیات منطبق با حقیقت*، تهران: خانه کتاب.

داهرتی، توماس (۱۳۸۷)، «شخصیت‌پردازی در روایت پسامدرن»، *ادبیات پسامدرن*، ترجمه و تدوین پیام یزدانجو، تهران: مرکز، صص ۳۱۸-۳۰۴.

رحیمیان، شهرام (۱۳۸۳)، *دکتر نون زرش را بیشتر از مصدق دوست داشت*، تهران: نیلوفر.

- سلطانی، سید علی اصغر (۱۳۸۷)، قدرت، گفتمان و زبان، تهران: نی.
- علیخانی، علی اکبر (۱۳۸۶)، روش‌شناسی در مطالعات سیاسی اسلام، تهران: دانشگاه امام صادق.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹)، تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- فوران، جان (۱۳۸۹)، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- گلشیری، هوشنگ (۱۳۸۱)، شازده/احتجاج، تهران: نیلوفر.
- لاج، دیوید (۱۳۸۶)، «رمان پسامدرنیستی»، نظریه‌های رمان، ترجمه حسین پاینده، تهران: نیلوفر، صص ۲۰۰-۱۴۳.
- لنار، ژاک (۱۳۹۰)، «جامعه‌شناسی ادبیات و شاخه‌های گوناگون آن»، درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات، ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران: نقش جهان، صص ۸۰-۶۵.
- مکاریک، ایرنا ریما (۱۳۸۵)، دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر، ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگه.
- مک کافری، لری (۱۳۸۷)، «ادبیات داستانی پسامدرن»، ادبیات پسامدرن، ترجمه و تدوین پیام یزدانجو، تهران: مرکز، صص ۴۳-۱۵.
- میرعابدینی، حسن (۱۳۸۶)، فرهنگ داستان‌نویسان ایران، تهران: چشمه.
- میلز، سارا (۱۳۸۸)، گفتمان، ترجمه فتاح محمدی، تهران: هزاره سوم.
- هدایت، صادق (۱۳۸۳)، بوف کور، اصفهان: صادق هدایت.
- یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۸۳)، گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی، تهران: هرمس.
- یورگنسن، ماریان و فیلیپس، لوئیز (۱۳۸۹)، نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.

Horton, John and Baumeiste, Andrea T. (1996), "Literature and the Political Imagination London and New York", First published, by Routledge, 11 New Fetter Lane, London.